

من با حدود ده‌ها فراری صحبت کردم که نیمی از آنها هنوز در آلبانی هستند و گفتند که فرماندهان مجاهدین خلق به طور سیستماتیک با استفاده از شکنجه، سلول انفرادی، مصادره دارایی‌ها و جداسازی خانواده‌ها برای حفظ کنترل روی اعضا استفاده می‌کنند



فروافتادن پرده از چهره سازمان برای آلبانی

مهدی گیلانی

پژوهشگر

در جریان حمله پلیس آلبانی به مقر اشرف ۳، پایگاه مجاهدین خلق در آلبانی، یکی از اعضای این گروه به نام «عبدالوهاب فرجی نژاد جهرمی» کشته شد. فرجی نژاد که در میان مجاهدین با نام مستعار «فرمانده افشین» و «علی مستشاری» شناخته می‌شد، از فرماندهان بخش نظامی مجاهدین پس از شروع جنگ مسلحانه در سال ۱۳۶۰ بود. مریم رجوی او را که به بیش از ۶۰ ترور موفق مشهور بود، از برترین فرماندهان نظامی سازمان معرفی کرده بود. او مسئولیت‌های مختلفی در سازمان داشت؛ از فرماندهی در عملیات فروغ جاویدان و مسئولیت قرارگاه جلولو در نزدیکی مرز ایران تا آموزش تیم‌های ترور اعزامی به ایران و عضویت در تیم حفاظت مسعود رجوی. مجید محمدی، از اعضای بریده سازمان، نشست سالگرد ۳۰ خرداد در قرارگاه اشرف ۳ را به یاد می‌آورد که فرجی نژاد به‌عنوان یکی از افراد باسابقه در عملیات‌های ترور، در آن صحبت کرده بود. فرجی نژاد می‌گفت: «شاخص ما برای ترور چند مورد بوده: اول اینکه شخصی ریش داشته باشد، دوم اینکه یقه پیراهن وی کامل بسته باشد. در این دو مورد برای ما کاملاً مسجل می‌شد که وی یا پاسدار بوده یا طرفدار این حکومت. برای ما کاملاً روشن بود و نیازی به پرسش و پاسخ نداشتیم و عمل ترور

را انجام و او را به رگیار می‌بستیم.» اغلب می‌دانستند که فرجی از جمله فرماندهان و عوامل اصلی بسیاری از عملیات‌های ترور در داخل کشور در دهه ۶۰ از جمله ترور شهید آیت بوده است؛ اما شاید کمتر کسی خبر داشت که فرجی نژاد یکی از صحنه‌های خونین تاریخ ایران در عملیات فروغ جاویدان در سال ۱۳۶۷ را رقم زده است. او معاون تیپ خط شکن مجاهدین بود که باید از سریل ذهاب تا گرنه را اشغال می‌کرد. صمد نظری، یکی دیگر از بریده‌های سازمان، می‌نویسد: «حدود ۳۵ نفر از سربازان در روز دوم خود را تسلیم نیروهای سازمان منافقین به فرماندهی فردی به نام افشین (عبدالوهاب فرجی) کردند. فرمانده به آنها دستبند و چشم‌بند زد و در گوشه‌های جمعشان کرد. تعدادی از آنها به دلیل تشنگی مستمراً از نگاهبانان تقاضای آب می‌کردند. یکی از فرماندهان دسته‌ها به فرمانده خود اطلاع داد که آنها آب می‌خواهند. فرمانده افشین با اشاره دست به دوتا از تیربارچی‌ها اشاره کرد و گفت «به اسرا آب بدهید.» تیربارچی‌ها بی‌رحمانه تمامی اسرا را به رگیار بستند.»

این اقدام جنایتکارانه فرجی نژاد، تا سال‌ها بعد یکی از افتخارات او در سازمان بود. هادی شبانی، راننده رئیس وقت شورای مرکزی مجاهدین که در عملیات فروغ جاویدان در واحد توپخانه مشغول بود، با اشاره به این جنایت فرجی نژاد می‌گوید «اجساد روی هم ریخته شد و از آن عکس گرفتند. این عکس تا مدت‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای عملیات فروغ جاویدان در جلسات معرفی می‌شد.»



مرگ‌های مخفی شده

اما این تنها کشته‌اشد سازمان در سالهای اخیر نبود. از ابتدای گسترش کرونا گروهک منافقین در اشرف ۳ اصرار داشتند کرونا در این پادگان نفوذ نکرده است؛ زیرا در صورت اعتراف به آن، مجبور بودند وزارت بهداشت دولت آلبانی و صلیب سرخ را به اشرف ۳ راه بدهند. امری که خط قرمز سازمان بود و تا قبل از حمله اخیر، توانسته بود اشرف ۳ را دور از حاکمیت آلبانی اداره کند.

با طولانی شدن کرونا، مخفیانه به دنبال تهیه داروهای ضد کرونایی، الکل، ماسک و گان برای اشرف ۳ افتادند. همچنین در این مدت بشدت اخبار مرگ اعضا در اشرف ۳ را سانسور کردند. در میانه کرونا یک رسانه گزارش داد: «تا امروز حدوداً ۱۰۰ نفر از اعضای گروهک بر اثر کرونا فوت کردند. منافقین اعضای عادی را بدون هیچ خبری دفن کرده و مرگ فرماندهانی که بر اثر کرونا فوت کردند را با بهانه‌های دیگر اعلام می‌کنند. از مرگ بر اثر کلهوت سن تا ضربه مغزی؛ از آن جمله‌اند: سهیلا ضیاء، حسن علوی، منصور مداح، بابک خلیلی، ابوالفضل قتادی، بهناز مجمل، صمد ساجدیان، شاپور علیزاده، حسین شهیدزاده و...»

چهره‌های شاخص دیگری نیز از منافقین در این مدت مردند، از آن جمله عباس مدرسی فر بود. در هیچ کدام از مرگ‌ها علت آن مشخص نشد، حتی در مواردی که اخبار حکایت از تسویه آنها توسط سازمان داشت. برخلاف قانون ۹۲۲۰ آلبانی که تأکید دارد باید قبل از دفن جسد، گواهی فوت امضا شود، تا علت مرگ از سوی پزشک نوشته شود، اما برای این گروهک تروریستی اجرای قوانین و مصوبات آلبانی امری اختیاری است و مرگ‌گان بدون گواهی فوت دفن می‌شوند.



اغماض از جرایم سازمان یافته

Ylli Zyla رئیس اسبق سازمان اطلاعات آلبانی از مصونیت در ارتکاب جرایم خبر داده است. مصونیتی که در ازای دریافت مبالغ میلیون دلاری از آمریکا و عربستان بوده است. جرایمی همچون قاچاق انسان و مواد مخدر، مخفی نگه داشتن دلیل مرگ اعضا، عدم اجرای قوانین آلبانی و... زیلا می‌گوید: «اردوگاه آن خارج از صلاحیت پلیس آلبانی بود و خشونت روانی فوق‌العاده و تهدید به قتل در داخل آن رخ می‌دهد.»

او که دقیقاً تا قبل از حضور سازمان در خاک آلبانی به عنوان رئیس اطلاعات نظامی آلبانی خدمت می‌کرد، می‌گوید: «آنها مردم بسیار فراموش شده‌ای هستند. آنها به طور متوسط بیش از ۵۰ سال سن دارند. آهسته آهسته، آرام آرام یکی یکی از بین می‌روند. آنها هیچ پیشینه حرفه‌ای مفیدی ندارند. همه آنها شست‌وشوی مغزی شده‌اند.» زیلا که به یک متخصص درباره این گروه تبدیل شده است، به ایندیندنت می‌گوید این سازمان نظم عمومی این کشور را به چالش کشیده است. اعضای آن به آزار و اذیت فراریان که در کافه‌های تیرانا می‌چرخند، می‌پردازند. او به نقل از یکی از فراریان می‌گوید از زمانی که گروه را ترک کرده شش بار تهدید شده است. «حتی پلیس هم اجازه ندارد داخل شود. وزارت کشور تقریباً هیچ کنترلی بر اردوگاه ندارد. گشت پلیس، تا آنجا که من می‌دانم، اجازه ورود به مجتمع مجاهدین خلق را ندارند. اردوگاه آنها به یک پناهگاه مرموز تبدیل شده است.»



پرورده قاچاق انسان

حدود یک سال و نیم قبل، ۱۴ آذر ۱۴۰۰، مدیر اداره پلیس جنایی در پلیس ایالتی آلبانی، خبر از کشف تیم قاچاق انسان و مواد مخدر در صورت اعتراف به آن، مجبور بودند وزارت بهداشت دولت آلبانی و صلیب سرخ را به اشرف ۳ راه بدهند. امری که خط قرمز سازمان بود و تا قبل از حمله اخیر، توانسته بود اشرف ۳ را دور از حاکمیت آلبانی اداره کند.

همان طور که گفته شد آلبانی به شدت دچار فساد اداری است. پرورده قاچاق انسان در اروپا از جرایم سنگین و خط قرمز است و مکتومه کردن پرورده رسانه‌ای شده از این نوع، با رشوه و لابی شاید جز در آلبانی مقدور نبود. اما این اخبار افکار عمومی را به شدت به آنها حساس و بدبین کرد و مطالبات برای نظارت بر این سازمان افزایش یافت. یکی از خبرنگاران در گزارش خود نوشته بود «هنگام ورود نگاهبان رزلب، پودر صورت، سیگار و قندک من را توقیف کرد و در یک کیسه پلاستیکی گذاشت و به من گفت که می‌توانم بعد از بازگشت آنها را دریافت کنم. سعی کردند تلفن همراهم را هم مصادره کنند، اما بچم این بود که با داشتن یک دختر یک ماهه در خانه باید با او ارتباط برقرار کنم. با یکی از اعضای مرد مجاهدین خلق تماس گرفته شد و پس از توضیح پرورده و درخواستم، به من اجازه داده شد تا تلفنم را به شرطی که اینترنت را خاموش کنم، به داخل ببرم.» وی با ابراز حیرت از میزان کنترلی که در طول گزارش بر او اعمال شده بود و حتی اشراف سازمان بر محتوای گزارش اش در هنگام خروج بدون آنکه وی چیزی گفته باشد، از تلاش ۱۵ باره سازمان برای مراجعه مجدد او و توجهش خبر می‌دهد که به خاطر این نوع رفتارها و نپذیرفته و تماس هایشان را رد کرده بود. معدود خبرنگاران دیگری هم که به اشرف ۳ راه یافته‌اند، اغلب تعابیر مشابهی دارند.

به‌عنوان نمونه گزارشگر گاردین در مطلبی پیرامون اعضای گروهان گرفته شده سازمان در اشرف ۳ و کنترل عجیبی که بر آنها اعمال می‌شود، می‌نویسد: «من با حدود ده‌ها فراری صحبت کردم که نیمی از آنها هنوز در آلبانی هستند و گفتند که فرماندهان مجاهدین خلق به طور سیستماتیک با استفاده از شکنجه، سلول انفرادی، مصادره دارایی‌ها و جداسازی



خانواده‌ها برای حفظ کنترل روی آنها از اعضا برای ساکت کردن اعضای مخالف و جلوگیری از جدایی استفاده می‌کنند.» گزارشگر از آثار سوختگی سیگار روی بازوهای یکی از این افراد و زخم‌های روی دست‌ها و پاهایش گفته بود و این که قبل از انتقال به آلبانی هفته‌ها شکنجه شده است و پس از آن، او را برای ملاقات رجوی در بغداد برده بودند. «ما را به سالن بزرگی بردند. مسعود رجوی با چند زن آنجا نشستند و گفت اگر یکی از شما یک کلمه به کسی بگوید... فقط یک کلمه و اگر هر یک از اینها افشا شود یا به گوش دیگران برسد، یا اگر صحبت از رفتن کنید، بلافاصله و مستقیم به استخبارات صدام تحویل داده می‌شود.» Arron Merat تحلیلگر گاردین که به‌صورت تخصصی روی این سازمان مطالعه می‌کند، درباره شرایط اعضای گروهان گرفته شده این سازمان در آلبانی، با اشاره به تلاش مصطفی محمدی که برای آزادی دخترش از دست سازمان تلاش می‌کرد، می‌نویسد: «آنها مصطفی و هر عضو سابقی را که علیه سازمان مجاهدین خلق صحبت کرده است، متهم می‌کنند که یک عامل حقوق‌بگیر جمهوری اسلامی است... مصطفی در پی حمله چهار تن از اعضای ارشد مجاهدین خلق در بیمارستان بستری شد. مهاجمان که فریاد می‌زدند «ترور نیست!»، برای مدت کوتاهی توسط پلیس آلبانی بازداشت شدند اما پس از رسیدن گروهی از اعضای مجاهدین خلق به ایستگاه پلیس، این افراد بلافاصله آزاد شدند.»

علت حمله چه بود؟

این پیشینه، موجب طرح این سؤال می‌شود که چه شد ۳۰ خرداد امسال ورق به ضرر سازمان برگشت. پلیس آلبانی پس از بررسی و پردازش مشترک اطلاعات موجود در سرورهای به‌دست آمده از مکر منافقین، دریافته است که برخی اطلاعات مهم دیگر توسط این گروهک مخفی شده است. برخی تحلیلگران اعلام کردند دلیل افزایش کنترل اشرف ۳ جلوگیری از ورود تجهیزات کامپیوتری عنوان شد. سال قبل پس از حمله سایبری به زیرساخت‌های آلبانی، این فرضیه مطرح شد که سازمان مجاهدین خلق در یک سناریوی فریب (FalseFlag Operation) حمله کرده‌اند. پلیس ضدتروریست آلبانی این احتمال را جدی گرفت و هم‌اکنون به قرائنی نیز دست یافته است. برخی رسانه‌ها گفته‌اند شکی مبنی بر خروج اسناد یا تجهیزات مربوط به موضوع تحقیقات پلیس آلبانی از این مرکز وجود دارد. بر اساس این نظر، پلیس آلبانی بر تدابیر امنیتی و کنترل در ورودی کمپ اشرف ۳ در نزدیکی تیرانا برای جلوگیری از ورود ابزار و وسایل رایانه‌ای افزوده است. این در حالی بود که از هشتم تیرماه، گزارش‌ها حکایت از استقرار پلیس آلبانی در مقابل ورودی کمپ داشت و خودروهایی را که وارد این مکان می‌شوند، کنترل می‌یافت. یورونیوز دلیل این کنترل بیشتر را جلوگیری از ورود ابزار و تجهیزات کامپیوتری به داخل کمپ و مقابله با ادامه فعالیت سایبری گروه مجاهدین خلق عنوان کرده است. ورودی کمپ اشرف پیشتر توسط یک شرکت خصوصی امنیتی کنترل می‌شد که ارتباطی با پلیس آلبانی نداشت و به این کشور اجازه دخالت نمی‌داد و تنها در برابر برخی فشارهای رسانه‌ای و برای فریب رسانه‌ها و مردم آلبانی هر چند وقت، یک هیأت از آنان راه به داخل پادگان می‌آوردند و امکانی نظیر سالن غذاخوری، آشپزخانه، استودیو داخلی و... را به آنان نشان می‌دادند.



چرا کار به خشونت کشید؟



شروع این درگیری از آنجا بود که پلیس ضدتروریسم آلبانی، ۶ نفر از کادرهای سیاسی گروهک را فرما می‌خواند و به آنها ابلاغ می‌کند که قصد دارد برای سرکشی و بازدید به مقر آنها که یک اردوگاه بزرگ با دیوارهای بلند و حفاظت شده است به آنجا رفته و خواهان بازرسی از اردوگاه می‌شود. در ابتدا ۶ نفر از اعضای کادر سیاسی با پلیس صحبت کرده و مأموران را به امکان همبستگی راهنمایی می‌کنند اما پلیس که از قبل اطلاعاتی درباره برخی امکان دیگر نظیر محل یگان سایبری این گروهک داشت، خواهان بازدید از آنجا می‌شود که منافقین با این درخواست پلیس مخالفت می‌کنند. بعد از دو ساعت مذاکره، صبر پلیس تمام می‌شود و تصمیم می‌گیرد بر اساس حکم قضایی دادگاه به ساختمان سایبری ورود کند. منافقین ضمن تشکیل زنجیره انسانی به دور برخی ساختمان‌ها، متوسل به خشونت می‌شوند و ۱۵ نفر از اعضای پلیس صدمه می‌بینند. پلیس ضدتروریسم آلبانی، ظرفیت ۱۰۰۰ نفر از مأموران خود را که پادگان اشرف را در این زمان محاصره کرده بودند، فرما می‌خواند و با اسپری فلفل راه خود را از میان دیوار انسانی منافقین باز می‌کنند. در این درگیری به ۱۵۰ خودروی پلیس آسیب رسیده اما پلیس نهایتاً موفق می‌شود وارد محل یگان سایبری شده و بسیاری از تجهیزات آنجا از جمله کامپیوترها و سرورهای اصلی را با خود ببرد. در این سرورها اطلاعات زیادی از جمله اطلاعات مربوط به مرتب‌بین و نفوذی‌های منافقین در داخل ایران وجود دارد و هم‌اکنون این سرورها در حال بازیابی اطلاعات و پردازش هستند. برخی خبرها حاکی از آن بود که در جریان حمله پلیس به اشرف ۳، مریم رجوی حضور داشته که در یکی از ساختمان‌ها مخفی شده ولی از ترس استرداد به ایران، به فرانسه منتقل می‌شود.

گسست تباتی‌ها

اخباری که از اشرف ۳ برای آلبانی به دست آمد؛ حتی موجب هشدار «ادی راما» نخست‌وزیر همیشه همراه آلبانی شد و از منافقین خواست تا اگر به‌دنبال جنگ با ایران هستند، خاک این کشور را ترک کنند. وی با یادآوری آنکه «ما درها را گشودیم چرا که این گروه تحت تعقیب بود و دوستان امریکایی چنین درخواستی را از ما کرده و به خود افتخار می‌کردیم.» راما شرط این امر را عدم ورود آنها به اقدامات سیاسی عنوان کرد اما گفت آنها (منافقین) بارها این توافق را نقض کرده‌اند. «کشورمان تبدیل به سنگر جنگی شده که در آن نقشی نداریم.» با این حساب، باید گفت افراط سازمان منافقین در قانون شکنی، امکان تداوم راه گذشته را برای همدستان این سازمان نیز ناممکن ساخته است.

